

## دادگاه عدل الهی چیست و چه طور به حساب ما در آن رسیدگی می‌شود؟

### حسابرسی ما در دادگاه عدل الهی به چه شکلی است؟

در طول زندگی بارها و بارها از برپا شدن دادگاه عدل الهی در روز قیامت شنیده و دربارهٔ سؤالات مختلفی که در آنجا از ما می‌شود و باید برای همه‌شان پاسخ مناسبی داشته باشیم، چیزهایی شنیده‌ایم، دادگاهی که هیچ راه فراری از آن نداریم و قرار است نتیجهٔ تمام کارهایی را که در دنیا انجام داده‌ایم، آنجا ببینیم، اما چه طور ممکن است تمام کارهایی که در طول عمرمان انجام داده‌ایم، همراهمان حاضر شوند؟ حتی فکرها و نیت‌هایمان هم قابل دیدن باشند؟ در مواردی هم با عبارت‌هایی متفاوت روبه‌رو می‌شویم، که از لحاظ ظاهری با هم همخوانی ندارند؛ مثلاً هم شنیده‌ایم که این حسابرسی از همه انجام می‌شود و هم شنیده‌ایم که بعضی از افراد بدون حساب از این مرحله رد می‌شوند. حالا با وجود همهٔ این گزاره‌ها

سؤال اینجاست که چه طور می‌شود فهمید، که دادگاه عدل الهی چیست و بر اساس چه شیوه‌ای عمل می‌کند؟

در درس‌های قبل با قانون نسبت آشنا شدیم. قانونی که درک خیلی از مفاهیم غیر قابل دسترس دینی را برای ما آسان کرده و بیان می‌کند که رابطهٔ دنیا با آخرت مانند رابطهٔ رحم مادر با دنیا است، یعنی همان‌طور که رحم مادر جنین را آمادهٔ زندگی در دنیا می‌کند، دنیا هم مانند رحمی برای آخرت بوده و باید خود را در آن آمادهٔ زندگی برای آخرت کنیم. با مطالعهٔ رفتار جنین در رحم مادر و اتفاقاتی که در اثر انتقال او از رحم مادر به دنیا برایش می‌افتد، از خیلی از ماجراهایی که در عالم آخرت با آنها روبه‌رو می‌شویم، پرده برداشته می‌شود، پس بهتر است قبل از اینکه چگونگی رسیدگی به اعمالمان در قیامت و دادگاه عدل الهی را بررسی کنیم، سری به تولد نوزاد به دنیا بزنیم.

## عملکرد جنین چه طور محاسبه می‌شود؟

دنیا امکانات خودش را به یک اندازه در اختیار همه نوزادان قرار می‌دهد، اما نوزادان به خاطر تولدهای متفاوتی که دارند، به‌طور یکسان از امکانات دنیا برخوردار نمی‌شوند. هر جنینی به اندازه مقدار و کیفیت اندام‌سازی که در رحم مادر انجام داده، قادر به بهره‌برداری از امکانات زیستی دنیاست، در واقع نوع ارتباطی که هر نوزاد با شرایط دنیا دارد، همان «محکمه و دادگاه» اوست. یعنی هر ویژگی‌ای که دنیا به نوزاد ارائه می‌کند، مثل یک «سؤال» است و نوزاد باید در جواب این سؤال عضو متناسبی را به‌عنوان «پاسخ» ارائه کند.

مثلاً «نور» یک سؤال است و نوزاد در جوابش پاسخی به اسم «دستگاه بینایی» آورده است.

«هوا» یک سؤال است و پاسخ مناسب برای آن «دستگاه تنفسی سالم» است.

دنیا پر از این نوع سؤال‌هاست و با این سؤال‌ها در همان ابتدای تولد از نوزاد حساب می‌کشد. حالا اگر عضو یا دستگاهی از بدن نوزاد از سلامتی لازم برخوردار نباشد، یعنی به سؤال مربوط به خودش پاسخ کاملی نداده است. در این شرایط نوزاد نه تنها نمی‌تواند از آن امکان بهره‌مند شود، بلکه همان شرایطی که برای یک نوزاد سالم لذت‌بخش است، برای او مایه ناراحتی و دردسر می‌شود.

بیماری نوزاد یعنی نداشتن پاسخ مناسب برای سؤالات دنیا، عدم هماهنگی با شرایط و قوانین زندگی دنیایی و بستری شدن در بیمارستان برای درمان، اما مسئله اینجاست که نوزادی که با یک تولد ناقص با سؤالات دنیا روبه‌رو می‌شود، دیگر در بیمارستان هم قابلیت جبران برایش وجود ندارد و مجبور است تا آخر عمر دنیایی‌اش از برخی از امکانات محروم بماند؛ چراکه بیمارستان قابلیت درمانی دارد نه قابلیت سازندگی.

## عدم سؤال در دوران رحمی

جنین در زمانی که مشغول تلاش برای ساختن اندام است، با هیچ سؤال و محاسبه‌ای سروکار ندارد. این دوره چندماهه تنها فرصت او برای تهیه ابزارهای لازم و کسب آمادگی برای روبه‌رو شدن با دنیاست. جنین حتی اگر بیمار باشد و یا عضوی را نساخته باشد هم در محیط رحم مادر با درد و رنجی روبه‌رو نمی‌شود. این درد و کمبود را زمانی احساس می‌کند، که به‌عنوان یک نوزاد با محیط جدیدی به نام دنیا روبه‌رو می‌شود و قرار است در آن از چیزی که با خود آورده استفاده کند.

می‌دانیم که در سؤال پرسیدن دنیا از نوزاد هیچ نیازی به رد و بدل شدن گفت‌وگو یا صرف زمان نیست. در واقع این پرسش و پاسخ به‌صورت عینی و عملی انجام می‌شود و اندام‌های نوزاد مثل اعمالی هستند، که او همراه خودش به دنیا آورده. اعمالی که هیچ جدایی و فاصله‌ای با او ندارند. وجود نوزاد نشان دهنده مجموعه تمام رفتارهای گذشته اوست و اعمالی که او انجام داده و آثاری که داشته‌اند، تبدیل به وجودش شده‌اند. به این ترتیب در همان لحظه‌های اولیه تولد هر نوزادی نوع ارتباطش با دنیا هم برای خود او و هم برای دیگران مشخص می‌شود. تمام این «سؤال و جواب»هایی که در محکمه دنیا مطرح می‌شود، نیازی به گذشت زمان و بررسی کردن تک‌تک اعضا و دستگاه‌های بدن نوزاد ندارد.

همان‌طور که جنین داخل رحم در لحظه تولد به دنیا متوجه میزان هماهنگی‌اش با شرایط دنیا می‌شود، خاصیت رحمی دنیا هم به گونه‌ای است که ما قبل از زمان تولدمان به آخرت متوجه میزان شادی و آرامش یا درد و رنج روح خود نمی‌شویم. در واقع آرامشی نسبی که از انجام دادن کارهای خیر به ما دست می‌دهد، یا نگرانی و اضطرابی که در اثر افکار و کارهای بد به جانمان می‌افتد، قسمت بسیار کوچکی از حقیقت اعمالمان است، که در دنیا نصیب ما می‌شود. هر کدام از عقاید، انتخاب‌ها، ارتباطها و رفتارهایی که داریم، در حکم یک «کسب» برای روح ماست. کسب‌هایی که تبدیل به اعضا و دستگاه‌های زیستی روح ما می‌شوند و تنها هنگام تولد به آخرت است که ابعاد وجودی‌شان را نشان می‌دهند و مورد محاسبه قرار می‌گیرند، یعنی آخرت و دادگاه عدل الهی جایی است که ما با همه کسب‌هایی که در محیط رحمی دنیا برای خود فراهم کرده‌ایم، روبه‌رو می‌شویم.

## وظیفه ما در دنیا

ما در حال حاضر در رحم دوم خود یعنی دنیا قرار داریم. دنیا جایی‌ست که باید خود را در آن آماده تولد به آخرت کرده و پاسخ‌های درست و کاملی برای سؤال‌هایی که قرار است در آخرت از ما بشود، فراهم کنیم. با بررسی نوع حسابی که جنین در لحظه تولد به دنیا پس می‌دهد، کیفیت رسیدگی به اعمال ما در قیامت و دادگاه عدل الهی هم تا حد زیادی برایمان روشن می‌شود.

حقیقت وجودی ما همان نفخه الهی است که تمام صفات خدا به صورت بالقوه در آن قرار داده شده‌اند. این روح به بدن دنیایی ما که در رحم مادر تولید می‌شود، منتقل می‌شود تا در دنیا و با اختیار خودمان آن صفات را پرورش دهیم. به عبارتی زندگی دنیایی تنها فرصتی‌ست که می‌توانیم قابلیت‌های بالقوه وجودمان را به فعلیت برسانیم و میزانی که این صفات‌ها به فعلیت می‌رسند، نشان دهنده میزان سلامت ما در آخرت است. بعد از تمام شدن دوره رحمی دنیا بدن مادی ما به خاستگاه خودش یعنی دنیا پس داده می‌شود و حقیقت وجودی یا روح ما به عالم آخرت منتقل شده و در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شود.

## کیفیت محاسبه اعمال در آخرت

همان‌طور که محکمه دنیا بدن نوزاد را از جهت سلامت نسبی برای برخورداری از یک زندگی سالم، خیلی سریع، دقیق و بدون معطلی مورد سؤال قرار می‌دهد، روح ما هم با تولد به آخرت و مواجه شدن با شرایط زیستی آن به سرعت مورد قضاوت قرار می‌گیرد. سریع‌الحساب بودن خدا به این معنی است که هماهنگ بودن یا نبودن ما با قوانین آخرتی در همان لحظه تولد یا وفات مشخص می‌شود. مثلاً ما باید بتوانیم در آنجا بدون محدودیت حرکت کنیم، اما چون ابزار آن را از قبل فراهم نکرده‌ایم،

زمین گیر می‌شویم. هیچ فاصله‌ای بین تولد و محاسبه نیست و هر نفسی بستگی به میزان هماهنگی‌ای که با قوانین آخرت دارد، متوجه میزان سعادت یا شقاوت خود می‌شود.

اگر نفس ما از سلامت کافی برخوردار نباشد، یعنی با خود پاسخ مناسبی برای سؤال‌های موجود در دادگاه عدل الهی نیاورده است، در واقع برای همین است که وقتی کسی به آخرت متولد می‌شود و متوجه عدم هماهنگی ساختار وجودش با شرایط زیستی آخرت می‌شود، از خدا می‌خواهد که او را به دنیا برگرداند تا عمل صالح انجام دهد<sup>1</sup>، اما زمانی برگشت کسی که به آخرت متولد شده به دنیا ممکن خواهد شد، که نوزاد متولد شده به دنیا هم بتواند دوباره به رحم مادر بازگردد! غیرممکن بودن این امر مربوط به شرایط طبیعی و فیزیکی ساختار رحمی است که پس از تولد دیگر امکان بازگشت به آن وجود ندارد؛ چه رحم مادر و چه رحم دنیا.

نوزادی که تمام دستگاه‌های عصبی، خون‌رسانی، تنفس، گوارش و باقی اندام‌هایش سالم باشند، اما تنها یک‌درصد بیماری یا کمبود داشته باشد، به همان اندازه گرفتار می‌شود، مثلاً اگر نوزادی تمام بدنش سالم و قوی باشد، اما فقط پاهایش هم‌اندازه نباشند و یکی از آنها یک سانتی‌متر کوتاه‌تر باشد، همان مقدار ناچیز هم نوزاد را به گرفتاری مبتلا کرده و راه رفتنش در دنیا را با مشکل مواجه می‌کند. این مسأله به این معناست که نیازی نیست کسی به نوزاد بگوید که یک پایت کوتاهتر است و بعد از آن نوزاد نتواند درست راه برود، بلکه وضعیت خود او برای محرومیت از درست راه رفتن کافی است. در آخرت و دادگاه عدل الهی هم نیازی نیست کسی مو را از ماست بیرون کشیده و بعد از آن ما با سزای اعمالمان روبه‌رو شویم، بلکه از آنجایی که وجود آخرتی ما مجموعه‌ای از کسب‌های دنیایی ماست، هر کدام از ما خودمان برای محاسبه خود کافی هستیم.

سوره زمر، آیه 58.<sup>1</sup>

## چه پاسخی پذیرفته است؟

مثل نوزادی که خود اعضا و اندامش جواب‌هایی برای سؤالات دنیا هستند، در آخرت هم کسب‌ها و داشته‌های معنوی ما که وجود آخرتی‌مان را تشکیل داده‌اند، پاسخی به سؤالات آخرتند. شرایط زیستی آخرت سؤالات خود را نه به صورت شفاهی، بلکه به شکل عینی و عملی ارائه می‌دهد و ما به مقدار دارایی‌هایی که در جهت شباهت به حقیقت وجودی خود یعنی خدا کسب کرده‌ایم، با شرایط زیستی آخرت هماهنگی خواهیم داشت و میزان همین شباهت، پاسخ تمام سؤالاتی که ما در دادگاه عدل الهی است.

به این ترتیب ما به جواب خیلی از سؤالاتمان در رابطه با کیفیت حسابرسی در آخرت و دادگاه عدل الهی می‌رسیم. هر کدام از ما با وفات از دنیا و تولد به آخرت، با سؤالاتی که بهتر است بگوییم شرایط و ویژگی‌های زندگی در آخرت روبه‌رو می‌شویم. میزان هماهنگی ما با شرایط زیستی عالم آخرت در حکم پاسخ‌های ما در دادگاه عدل الهی است. محکمه‌ای که اگرچه از همه کس سؤال می‌پرسد، اما در مطرح کردن این سؤالات نه زمانی صرف می‌شود و نه بحث و گفتگویی بین طرفین رد و بدل می‌شود؛ چون وجود آخرتی ما به خودی خود نشان‌دهنده دارایی‌ها و توانایی‌های ماست و هر نفس سالمی به سرعت و بدون معطلی از این مرحله رد می‌شود. این نفس‌های بیمار یا ناقص هستند که با توجه به میزان ناهماهنگی‌شان با عالم آخرت یا همان ناتوانی در پاسخ دادن به سؤالات دادگاه عدل الهی، باید حساب پس بدهند و رنج درمان را تحمل کنند، پس می‌توانیم بگوییم عمل ما خود ماست و در حالت کلی برای داشتن تولدی سالم یا سالم قوی، باید از نزدیک شدن به صفات ناپسند دوری کرده و صفات خوب را در خود به ظهور برسانیم. بد اخلاقی‌ها، خیانت‌ها، دروغ‌ها، تهمت‌ها و هر عمل ناپسندی مانند عضو اضافه‌ای در بدن آخرتی ماست که باید با انجام جراحی در جهنم از وجودمان جدا شود و جدا شدن هر کدام از این صفات بد از ما با قرن‌ها معطلی در جهنم همراه است.

ما در این مقاله گفتیم که صفت‌هایی که در طول زندگی در خودمان ایجاد می‌کنیم، وجود ما را تشکیل می‌دهند، یعنی وجود آخرتی ما مجموعه‌ای از باورها، انتخاب‌ها، ارتباط‌ها و اعمال ماست. همان‌طور که جنین در رحم مادر وجود دنیایی خود را می‌سازد، دریافت‌ها و اعمال ما در رحم دنیا هم تبدیل به وجود آخرتی ما می‌شوند. جنین به محض ورود به دنیا با سوالات دنیا در مورد اندامش مواجه می‌شود. ما هم در دادگاه عدل الهی با اعمال‌مان حاضر شده و این اعمال در حکم جواب‌هایی هستند که به ویژگی‌ها و شرایط زیستی آخرت می‌دهیم؛ در حقیقت دادگاه عدل الهی مشخص می‌کند که وجود ما چه میزان با شرایط زیستی آخرت در تناسب و هماهنگی است؟

برایمان بنویسید که پیش از مطالعه این مقاله چه دیدی نسبت به حضور در دادگاه عدل الهی در آخرت داشتید؟ آیا استفاده از قاعده نسبت کمکی به درک بهتر شما از شیوه حسابرسی در قیامت و حضور در دادگاه عدل الهی کرده است؟